

گرانی نان، بلای جان کارگران!

در روزهای اخیر با اضافه شدن ۵۰ درصد بر قیمت نان، این اصلی‌ترین خوراک گرسنگان، درد بزرگ دیگری بر تمام آلام بی‌شمار کارگران و اقشار وسیع زحمت‌کشان افزوده شده است. با افزایش سرسام‌آور قیمت نان، توده‌های رنج و کار ایران اکنون به خرید نان نصفه، نان قسطی روی آورده‌اند. حتی به گرو گذاردن جهیزیه و اموال ناچیز زحمت‌کشان برای تهیه قرصی نان، امروز به یکی از وحشتناک‌ترین پدیده‌های ظالمانه تحت حاکمیت رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و سرمایه‌داران حاکم بدل گشته است.

جمهوری اسلامی، افزایش قیمت نان در حدود ۵۰ درصد را رسماً تحت پوشش "متناسب‌سازی" قیمت کالا با هزینه تولید آن اعلام نمود. البته قبل از چنین افزایشی عملاً بهای نان و غلات بنا به گزارشات دولتی با تورم ۵۸.۳ درصدی همراه بود. اما دولت رئیسی تصمیم گرفت این به اصطلاح "متناسب‌سازی" را هم انجام دهد تا به قول خودشان کمیت و کیفیت نان ارائه شده در نانویی‌ها تغییر نکند. اما جدا از این لفاظی‌های فریبکارانه افزایش سرسام‌آور قیمت نان چیزی جز تعرض غارتگرانه دیگری به سفره کوچک و معیشت محقر هزاران هزار تن از کارگران و اقشار محروم ایران نیست.

روشن است که نان اصلی‌ترین کالای سبد معیشت کارگران می‌باشد و با افزایش قیمت آن عملاً کارگران مجبور می‌شوند کمتر نان بخرند و در نتیجه گرسنه‌تر از گذشته به زندگی جهنمی‌ای که طبقه حاکمه برای آنها به وجود آورده است، ادامه دهند. این در شرایطی است که دولت رئیسی حاضر نیست به خواست کارگران که در صدها حرکت اعتراضی فریاد زده می‌شود حداقل دستمزد تعیین شده برای سال جاری را اندکی به نفع کارگران تغییر دهد. این دولت حتی حاضر نشد بحث دستمزد را در دستور کار نشست‌های رسمی شورای عالی کار بگنجاند.

بی‌شک افزایش قیمت نان ضربه بزرگی به سبد معیشت کارگران می‌باشد و بخش بیشتری از کارگران تحت ستم ایران را به زیر خط فقر و فلاکت می‌اندازد. در این میان توجه به ادعاهای مقامات دولتی آشکارا نشان می‌دهد که چطور آنها زندگی کارگران گرسنه را به بازی گرفته‌اند. به دنبال این‌که صدا و سیمای جمهوری اسلامی خبر داد که نان در ۱۳ استان کشور از جمله در استان‌های فارس، تهران، قزوین و خراسان رضوی گران شده است، احمد وحیدی وزیر کشور دولت رئیسی روز چهارشنبه ۱۱ مرداد فوراً این امر را تکذیب نمود و اعلام کرد که "در دولت چیزی با عنوان افزایش قیمت نان نداشتیم". اما به رغم چنین تکذیب‌هایی، محمد جلال سخنگوی طرح هوشمندسازی یارانه آرد و نان با حضور در یک برنامه تلویزیونی گفت که تنظیم بازار نان در قالب اختیاراتی به استان‌ها داده شده است و رضا رضایی، معاون برنامه‌ریزی و توسعه فرمانداری مشهد در این مورد به روزنامه "خراسان" گفت که "افزایش قیمت خیلی وقت است که در دستور کار قرار دارد و از امروز در نان‌هایی که در شهرستان مشهد پخت می‌شود به طور میانگین بین ۳۰ تا ۴۰ درصد افزایش قیمت داریم". مسلم است که کارگران به این بازی‌های ریاکارانه تکذیب و تائید مقامات دولتی وقعی نمی‌گذارند و آنچه را که در عمل در زمان خرید نان باید بپردازند معیار آنها می‌باشد. اما ریاکاری‌های مقامات دولت رئیسی نشان می‌دهد که آنها چطور حیات و معاش مردم را در شرایط بحران اقتصادی فزاینده و فلج‌کننده نظام حاکم به بازی گرفته‌اند.

امسال تعداد اعتراضات کارگری نسبت به سال گذشته حداقل چهار برابر شده است و این درست ناشی از فشارهای اقتصادی شدید روی کارگران و زحمت‌کشان آن‌هم در شرایط فقدان آزادی‌های اجتماعی و سیاسی که به نوبه خود فشارهای خود را بر آنان وارد می‌سازد، می‌باشد. نگاهی به دلایل این واقعیت به روشنی نشان می‌دهد که یکی از مشکلات کارگران رشد روز افزون قیمت مایحتاج اصلی زندگی آنان نظیر نان و سایر اقلام

خوراکی ضروری برای زنده ماندن و عدم انطباق دستمزد آنها با تورم افسار گسیخته‌ای است که قیمت‌های کالاهای مورد نیاز آنها را هر روز نسبت به روز قبل بیشتر می‌کند. این اوضاع دردناک در شرایطی است که "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی حداقل دستمزد کارگران را برای سال جاری تنها ۲۷ درصد افزایش داده است. در حالی که بنا به گزارشات خود مراکز و نهادهای دولتی تورم در خوش‌بینانه‌ترین حالت بیش از ۴۰ درصد اعلام شده است. توجه به همین واقعیت وضعیت دردناک و فلاکت‌بار کارگران و زحمت‌کشان که در شرایط خط فقر ۳۰ میلیون تومانی باید با دستمزد ناچیزی که می‌گیرند شکم خود و خانواده‌شان را سیر کنند در مقابل چشم همگان قرار می‌دهد؛ و دلیل چهار برابر شدن اعتراضات کارگری در شرایط دیکتاتوری رژیم کارگستیز جمهوری اسلامی را بیان می‌کند.

در کشوری که هیچ آمار درستی در هیچ زمینه‌ای حتی در زمینه تصادفات جاده‌ای در اختیار مردم قرار داده نمی‌شود، از حد دستمزد واقعی اکثر کارگران ایران هم آمار درستی در دست نیست. اما همین که کارگران در اعتراضات خود فریاد می‌زنند که دستمزدشان تنها کفاف حدود ده روز هزینه‌های آنها را می‌دهد، بیانگر شدت استثمار کارگران توسط سرمایه‌داران زالوصفت (چه خارجی و چه داخلی) می‌باشد. تنها توجه به سخنان نمایندگان مجلس شورای اسلامی و از جمله غلامرضا نوری قزلجه که تورم واقعی را ۱۲۰ درصد اعلام کرده‌اند، کافی است تا شرایط زیست بسیار ناگوار و وخیم کارگران را متصور شد. در چنین اوضاعی است که حتی خود سردمداران رژیم دیکتاتور حاکم اوج‌گیری فریاد کارگران کرد به استخوان رسیده و شورش گرسنگان را پیش‌بینی می‌کنند.

جامعه ایران اکنون با شرایطی روبه‌روست که شکاف کم‌سابقه و بزرگی بین حقوق و درآمد ناچیز کارگران و زحمت‌کشان (تازه اگر به موقع و یا اصلاً پرداخت شوند) و قیمت اقلام ضروری زندگی ایجاد شده است. اکنون هم که پنجاه درصد بر قیمت نان افزوده شده است، کاملاً قابل پیش‌بینی است که تعداد زیاد دیگری از کارگران و محرومان جامعه از عهده خرید نان خالی هم بر نخواهند آمد. این اوضاع وخیم و دردناک را سرمایه‌داران برای بخش بزرگی از آحاد جامعه ایران تحمیل کرده و آنها را به مرگ تدریجی محکوم کرده‌اند. به راستی که سرمایه‌داران خارجی و داخلی انگل‌صفت با شدت دادن به استثمار کارگران و ایجاد تورم و گرانی، همان‌طور که انگلس، آموزگار راستین طبقه کارگر جهان با واقع‌بینی تمام مطرح کرده است، هر روز مرتکب قتل عمد کارگران می‌شوند. از این‌روست که برای پایان دادن به چنین قتل‌ها (تحمیل مرگ تدریجی به کارگران) همین‌طور قتل‌های حکومتی باید علیه سیستم سرمایه‌داری و در جهت نابودی آن مبارزه کرد.

تجربه ۴۴ سال سلطه جمهوری اسلامی به روشنی نشان داده است که سیاست‌های اقتصادی کلان نظام در راستای منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران وابسته حاکم اتخاذ می‌شوند. همه می‌دانند که دولت رئیسی در ادامه پیشبرد گام به گام برنامه‌های خانه خراب‌کن، ولی سرمایه‌دارپسند، زیر نام خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی، گام به گام همچون اسلاف خود به خط حذف تدریجی یارانه‌ها و کمک‌های دولتی به مستمندان و کسب درآمد از جیب ستم‌دیدگان پرداخته و در این راه هر بار با افزایش سرسام‌آور قیمت سوخت و مایحتاج اصلی و قوت لایموت توده‌ها آنها را با گرانی و تورم و بیکاری و گرسنگی هر چه شدیدتری مواجه ساخته است. این رژیم به تنها امری که اهمیت نمی‌دهد زندگی و حق و حقوق کارگران می‌باشد.

در چنین شرایطی، کارگران آگاه ما راهی جز مبارزه برای سرنگونی این رژیم در پیش پا ندارند. این رژیم دست‌نشانده امپریالیست‌ها که حاصل توافق آنها در کنفرانس گوادلوپ می‌باشد، تا بر سر کار است در جهت تامین منافع امپریالیست‌ها و سرمایه‌داران داخلی، حقوق کارگران را پایمال سیاست‌های استثمارگرانه و غارتگرانه آنها خواهد کرد. بنابراین بدون نابودی جمهوری اسلامی رهایی از گرانی و تورم و امکان یک زندگی در شأن کارگران در ایران میسر نمی‌شود. به همین دلیل است که کارگران نباید صرفاً به مبارزه اقتصادی اکتفا کنند بلکه باید با یاری کارگران آگاه و روشن‌فکران انقلابی راهی برای متشکل شدن خود و انجام مبارزه سیاسی با رژیم حاکم بیابند که از نظر ما قدم اول آن تشکیل گروه‌های سیاسی- نظامی با چشم‌انداز رسیدن به مبارزه مسلحانه توده‌ای می‌باشد.